



هانس روبرت رویمر (فرایبورگ)

Hans. R. Roemer

ترجمهٔ مجید جلیوند

قزلباشها بنیانگذاران و قربانیان حکومت صفوی*

نیروی بالقوهٔ نظامی که مهم‌ترین، اگر نگوئیم اساسی‌ترین شرط ایجاد حکومت صفوی به‌شمار می‌رفت، متشکل از گروهی بود که آنان را قزلباش می‌نامیدند. سابقاً دربارهٔ اصل و منشاء آنان که عمدتاً از جنگجویان ایلات ترکمن تشکیل می‌شدند اطلاع چندانی در دست نبود. بطوری که چهل‌سال پیش ریشارد هارتمن (Richard Hartmann) تحقیق دربارهٔ اصل و منشاء آنان را یکی از وظایف مهم علم شرق‌شناسی قلم‌داد کرد. در خلال این مدت محققین روی این مسألهٔ مهم کار کردند و موفق شدند بسیاری از نکات تاریخ آن را روشن سازند، هرچند هم پاره‌ای از پرسشها بی‌جواب مانده است. تحقیق در این زمینه با انتشار کتاب فاروق سومر، تاریخدان ترک، دربارهٔ نقش ترکهای آناتولی در تأسیس و شکل‌گیری امپراتوری صفوی^۲ پیشرفت، شایانی حاصل نمود.

* متن آلمانی در ZDMG سال ۱۳۵ (۱۹۸۵): ۲۲۷ - ۲۴۵ چاپ شده است.

ترجمه و نشر این‌گونه نوشته‌ها برای آشنایی ایرانیان و مورخانمان با عقایدی است که درین سالهای اخیر راجع به تاریخ ایران در اروپا نشر شده است. بنابراین دلالتی نیست بر آنکه آینده با همهٔ این‌گونه آراء موافق است و البته نظرهای مستدلی که ارائه شود در مجله چاپ خواهد شد. (آینده)

1- Deutsche Literaturzeitung 61 (1940), col. 561.

2- Safevî Devletinn Kuruluşu ve Gelismesinde Anadolu Türklerinin Rolü (Sah Ismail ile halefleri ve Aandede Türkleri). Ankara 1976.

مهرداد ترابی نژاد در اثر ارزنده‌اش بنام:

Die problematik der autochtonen Genesis der modernen Wirtschaftsweise in Iran. Vergleiche zwischen der sozioökonomischen

این اثر در ۱۹۷۶ میلادی منتشر شد. سالی که در زمینه ترکمن شناسی سال نسبتاً پرحاصلی بود، چون در همان سال جان وودز (John Woods) رسالهٔ دکترای خود را در مورد آق‌قویونلو^۳ ارائه کرد و من نیز در همان ایام در یادنامه والتر هینتز (Walter Hinz) «میان پردهٔ ترکمن»^۴ را به رشتهٔ تحریر درآوردم. دو سال پیش روبرت مکنتزی (Robert D. McChensey)^۵ ضمن تجزیه و تحلیل یکی از تحقیقات جیمز ج. رید (James J. Reid)^۶ یکبار دیگر به موفقیت‌هایی که در حل مسائل مربوط به قزلباش، در گذشته نصیب ایلیا پاولوویچ پتروشفسکی: (Ilia Pawlowic Petruszewskiy)^۷

→
struktur der safawidischen Persiens und des vormodernen Westeuropa. Wiss., Hamburg 1979.

مسئلهٔ پیدایش خود انگیختهٔ شیوهٔ اقتصادی نوین در ایران. مقایسه‌ای بین ساختار اقتصادی اجتماعی ایران عصر صفوی و اروپای غربی در دوران ماقبل جدید. رسالهٔ دکترای هامبورگ ۱۹۷۷. به نواقصی اشاره می‌کند که در زمینهٔ تحقیقات تاریخ اقتصادی مربوط به قزلباشهای ترکمن ایران وجود دارد.

3- The Aq Qoyunlu: Clan, Confederation and Empire. Minneapolis 1976.

۴- میان پردهٔ ترکمن - تاریخ ایران بین مغولان و صفویان.

Das turkmenische Intermezzo — Persische Geschichte zwischen Mongolen und Safawiden: in Archaologische Mitteilungen aus Iran NF 9. (1976), p. 263-97.

این موضوع را در مقالهٔ دیگری مورد بررسی قرار داده‌ام.

Historische Grundlagen der persischen Neuzeit. Ebd. NF 10 (1977), p. 305-21.

مبانی تاریخی عصر جدید ایران، همان‌ماخذ پیشین. جلد ۱ (۱۹۷۷)، ص ۳۵۱-۲۱.

۵-

Comments on The Qajar Uymaq in the Safavid period, 1500-1722' In: Iranian studies 14 (1981), p. 87-105.

The Qajar Uymaq in the Safavid period, 1500-1722.

۶-

In: Iranian studies 11 (1978), p. 117-43.

این مقاله ظاهراً مبتنی بر رسالهٔ منتشر نشده‌ای بنام:

Tribalism and society in Islamic Iran 1500-1629 (UCLA, 1978).

می‌باشد.

تصحیح: پس از پایان مقالهٔ حاضر فهرست کتب انتشارات Brill's شماره ۲۷۲ (ژوئیه ۱۹۸۳) بدستم رسید که در آن کتاب (Reids) تحت شماره ۶۳۶ ثبت گردیده است.

7- Ocerki po istorii feodal' nych odnosenii v Azerbajzane i Armenii v XV- nacele XIX vv. Leningrad 1949. p. 89-110.

(۱۹۴۹) و مارتین دیکسون (Martin Dickson) ۸ (۱۹۵۸) شده بود، اشاره کرد. حال از آنجا که نتایج بدست آمده از این تحقیقات راهگشا، بعلت تعدد محل انتشار و این که به زبانهای مختلفی به چاپ رسیده‌اند، هنوز به هیچ وجه (حتی در محافل متخصصین این رشته) عمومیت نیافته است، ارائه تلخیص جدیدی از این تحقیقات، تا اندازه‌ای ضروری بنظر می‌رسد.

قزلباشها عمدتاً از نسل ایلات ترکمنی بودند که در گروه های کوچک و بزرگ و احیاناً در اتحادیه‌های ایلی بصورت کوچ‌نشینان دامدار، در آسیای صغیر، ارمنستان، ماوراء قفقاز و سوریه زندگی می‌کردند، یعنی در مناطقی که در گذشته، با مهاجرت اغوزها به آنجا رسیده و سکونت اختیار کرده بودند. این‌ها که در بینشان معدودی از سران اشرافیت ترکمن نیز یافت می‌شد، گروهائی بودند که در جریان روی کار آمدن عثمانیان و همچنین در پیدایش حکومتهای متعدد کوچکی که پس از حمله مغول در آناطولی^{۱۰} پدید آمد، بازنده از آب درآمدند، بطوری که حتی قبل از فروپاشی این گونه حکومت ها پایگاه خود را از دست داده و ناچار بودند بدنبال امکانات سیاسی و نظامی جدیدی برآیند. هرچند این امر هنوز به اثبات نرسیده است، ولی ظاهراً آنان با بازماندگان امیرنشین‌های بزرگ ترکمنی متحد شدند که سابقاً اتحادیه‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو را تشکیل می‌دادند و اکنون در اثر سقوط و از هم پاشیدگی این

8- Shah Tahmasb and the Uzbeks. (The Duel for Khurasan with Ubayd Khan 930-946 / 1524-1540). Unpubl. Ph. D. diss. Princeton 1958.
شاه طهماسب و ازبکان

(جنگ بر سر خراسان با عبیدخان ۹۳۰ تا ۹۴۶ (۱۵۲۴-۱۵۴۰)).

9- P.B. Golden: The Migrations of the Oguz. Archivum Ottomanicum 4 (1972), p. 45-84.

10- Ismail Hakki Uzunçarsili: Anadolu Beylikleri ve Akkoyunlu, Karakoyunlu devletleri. Siyasî, fikrî, iktisadî hayat; ilmî ve içtimai muesseseler; halk ve toprak.

Ankara 1937, 1969. (Türk Tarih Kurumu yayınlarından seri 8, No. 2.)

۱۱- با وجودی که سومر (Sümer) در کتاب مذکور، ضمیمه ۲، خاطر نشان می‌سازد که بنیانگذاران دولت صفوی، (Anatolian Turks) بودند ولی

(Completely different from the kara koyunlu and the AK-koyunlu confederations).

معهدا خود در جای دیگر (مثلاً در (El[fra.], vol. I (1960) وابستگان اتحادیه آق‌قویونلو را که به خدمت مغویه درآمدند، نام می‌برد. همچنین (Oktaj Efendiev) در اثرش بنام: نقش ایلات ترک زبان در ایجاد دولت صفوی.

Le rôle des tribus de langue turque dans la création de L'état safavide.

در مجله (Turcica) جلد ۶، سال ۱۹۷۵، ص ۲۴ تا ۳۳. گروه‌هائی از ایلات آق‌قویونلو و قراقویونلو را جزء قزلباش ذکر کرده است.

حکومت‌های ترکمن، نیروهای آزاد شده‌ای بشمار می‌رفتند. آنچه که کلیه این عناصر را بهم پیوند می‌داد، علاوه بر خویشاوندی تژادی و زبانی^{۱۲}، شیوه زندگی ایلیاتی مشابهشان بود که هنگام تأسیس امپراتوری اسماعیل در حال گذار به مرحله نیمه ساکن بود. بی‌شک آداب و سنن مشترکشان نیز که در کتاب «دده‌قورقود» ضبط گردیده است در ایجاد حسن همبستگی میان آنان نقش بسزائی داشته است^{۱۳}.

و. مینورسکی (W. Minorski) که پدیده جالب توجه مهاجرت به شرق ترکها^{۱۴} و خصوصاً ترکمن‌ها را مورد تحقیق قرار داده است، از سه موج مهاجرت ایلات ترک که از آسیای صغیر به شرق آناتولی و به شمال غربی ایران و بطور کلی به فلات ایران

۱۲- در خصوص خویشاوندی زبانی، می‌توان بعنوان مدرک اشعار جهان‌شاه، فرمانروای قراقویونلو و اشعار شاه اسماعیل را که از حیث زمانی باید آنرا آق‌قویونلو بحساب آورد، پیش کشید. ولادیمیر مینورسکی (Vladimir Minorsky) در

(Jihán-sháh Kara-goyunlu and his poetry (=Turkmenica. 9)

In BSOAS 16 (1954), p. 271-97,

The Poetry of Sháh Ismá'il I.

In: BSOAS 16 (1954), p. 1006 a - 1053a.

همچنین ت. گنجه‌ای

T. Gandjei (ed.):

Il canzoniere di Sháh Ismá'il. Napoli 1959.

Cahit Ozteli:

و اوزتلی

Les oeures des Hatâyi:

in: Turcica 6 (1975), p. 7-10.

به این مسأله پرداخته‌اند.

۱۳- مراجعه شود به:

Ettore Rossi

Il "Kitab-i Dede Qorqut". Roma 1952.

ادبیات قدیمی‌تر و همچنین نوشته‌های جدید را می‌توان در اثر (Fahir Iz) یافت.

Dede Korkut.

in: EI II (1965), p. 206 sp.

14- The original form of the name Türkmen is nothing but a derivation of Türk, to wich the suffix -mân gives an intensified meaning, wich in our days might be rendered as 'hundred per cent Turks'.

نقل از مینورسکی در

'Middle East in the 13th, 15th and 17th centuries.

in: Journal of the Royal Central Asian Society 27 (1940). p. 439.

ظاهراً این تسمیه در نیمه دوم قرن دهم میلادی شیوع یافته است. مراجعه کنید به:

I. Kafesoglu:

Türkmen adi, manasi ve mahiyeti.

in: J. Deny Armageni Ankara 1958, p. 121-33.

آمدند سخن می گوید. این سه موج به ترتیب عبارتند از موج قراقویونلو، موج آق قویونلو و سرانجام موج صفوی ۱۵.

II

امروزه، اگر نه با جزئیات کامل، بلکه بطور کلی میدانیم که چه ایلهائی در موج صفوی شرکت داشتند، کجا زندگی می کردند، چه گروههائی از آنان منشعب شده و چه سرنوشت هائی را پشت سر گذاشته بودند.

ایلاتی که در رابطه منابع با ظهور اسماعیل، نامشان بیش از همه در مآخذ و منابع ذکر گردیده است، در مرحله نخست ایلات روملو، استاجلو^{۱۶}، شاملو، ذوالقدر^{۱۷}،

۱۵- تذکره الملوك به اهتمام مینورسکی. چاپ لندن ۱۹۴۳ (تجدید چاپ کیمبریج) ص ۱۸۸.

Tadhkirat al-mulūk. Ed. Minorsky. London 1943.

(reprint Cambridge 1980). p. 188.

برای اطلاع از جزئیات به آثاری که در زیر نویس شماره ۴ همین مقاله ذکر گردیده اند، مراجعه کنید.

16- Jean-Louis Bacqué - Grammond:

Une liste d'émirs Ostâglû revoltés en 1526.

In: Studia Iranica 5 (1976), p. 25-35.

و همچنین مقاله

Un document sur la révolte des Ostâgelû.

6 (1977), p. 169-84.

۱۷- لفظ عربی ذوالقدر که زیاد به آن برمی خوریم يك شکل تحریف شده است. آثاری فن گابن (Annemarie von Gabain) از شکل فرعی تولگدیر (Tulgadîr) به ترکیب Tulga + dar (کلاه خود دار) می رسد.

Annemarie von Gabain

In: Der Islam 31 (1953), p. 115.

عارفی پاشا (Arifi Pasa) نیز درباره منشأ این ایل تحقیق کرده است.

Arifi pasa:

Zû - I - Kâdir (Dulgadîr) ogulları hükûmeti.

In: Ta'rih-i Otmâni Engûmeni megmu'asi Vol. v/33 (1915) p.544.

I. H. Mordtmann - M. H. Yinanç:

Dulkadirlar.

In: Islâm Ansiklopedisi [IA]. Vol. 3. Istanbul 1945, p. 645-62.

F. Sümer:

XVI. asirda Anadolu, Suriye ve Irak'ta yasayan Türk asiretlerine umumi bir baks.

In: İktisat Fak. Mecm. 11 (1949-50), p. 509-23 (Dulgadirlar p.512 sq.)

J. : L. Bacqué - Grammond.

J - L. fetihnâme' Zû - I - Kâdiride dans les archives Ottomanes.

In: Turcica 2 (1970), p. 138-50.

تکلو و همچنین قاجار ۱۸ قرار دارند و سپس ایلاتی هستند که بعدها نامشان کمتر به میان می‌آید مانند ورساق، تورگودلو، چگنی، بایردلو و اسپرلو. در قدیمی‌ترین منابع نام ایلات بزرگی چون ترکمان و افشار ۱۹ و همچنین ایلات کوچکتر، یاطوایف و عشیره‌هایی چون گوندوزلو و پورناک ۲۰ یا اصلاً بچشم نمی‌خورد و یا به‌ندرت ذکر گردیده است.

۱۸- دربارهٔ ایل قزلباش قاجار مراجعه کنید به:

M. Longworth - Dames and B. Darkot:
Kaçar (Kacâr). In: IA 6 (1955), p. 33-9.

F. Sümer:

Kadjar.

In: EI2 4 (1978), p. 403 sq.

همچنین به (Reid) و (McChesney) به‌ماخذی که در زیرنویس ۴ و ۵ همین مقاله ذکر گردیده است.

۱۹- از ایلات قزلباش کمتر ایلی چون افشار، در ادبیات علمی، مورد توجه قرار گرفته است. احمد کسروی، افشارهای خوزستان، در مجلهٔ آینده، جلد اول (سال ۱۹۲۵)، تجدید چاپ (۱۳۵۲)، ص ۸-۲۴۱، هم او، ایل افشار، همان مأخذ، جلد دوم، (سال ۱۹۲۶)، تجدید چاپ (۱۳۵۳) ص ۳-۶-۵۹۶.

B. Nikitine:

Les Afsars d'Urūmiyeh.

In: IA 214 (1929), p. 112 sq.

Fuad Köprülü

Avsar

In: IA 2 (1944), p. 28-38.

F. Sümer: Avsarlar'a dair.

In: Fuad Köprülü Armagani. Istanbul 1953. p. 453-78.

M.F. Köprülü:

Afshar. In: EI2 1 (1980), p. 247 sq.

Georg Stöber

Die Afshar Nomadismus in Raum Kerman (Zentraliran).

Marburg 1978. (Marburger geographische Schriften. 76.)

افشارها: کوچ‌نشینی در منطقهٔ کرمان (ایران مرکزی). ماربورگ ۱۹۷۸

۲۰- از تحقیقات وسیعی که دربارهٔ ایلات کم‌اهمیت‌تر قزلباش صورت گرفته است به کارهای زیر می‌توان اشاره کرد:

Sümer: Bayatlar

In: Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi 4 (1952) p. 373-98, idem, همچنین

Bayat. In: EI2 1 (1960), p. 1150 sq.

V. Minorsky: Aynallu/Inallu.

In: RO 17 (1951-2), p. 1-11,

James J. Reid: The Qarāmālū. The growth and Development of a lesser Tribal Élite in sixteenth - and seventeenth Century Persia. In:

پس پیدایش و موفقیت‌های قزلباش حداقل در درجهٔ نخست، يك امر تركمنی است. اکنون بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که آیا رؤسای طریقت صفوی، خصوصاً موفقترین‌شان، اسماعیل، بنیانگذار این امپراتوری نیز تركمن بوده‌اند؟ پاسخ این سؤال در مورد اسماعیل، تا آنجا که به پیدر بزرگش، اوزون حسن، پادشاه سلسله آق‌قویونلو مربوط می‌شود، مثبت است. این که منشأ خاندان ۲۲ او به یکی از ۱۰ لاکین گیلان باز می‌گردد، مسأله‌ای است که هنوز قابل بحث است. در هر صورت وابستگی او به یکی از ایلات تركمن نیز نمی‌تواند مطرح باشد.

مع‌هذا صحیح نیست که نهضت قزلباش را يك پدیدهٔ صرفاً ترك بدانیم. هر ایل تركی قزلباش نبود، بلکه فقط آنهایی قزلباش بشمار می‌رفتند که به این حرکت می‌پیوستند و با دریافت کلاه تركدار قزلباش به عنوان عضو نهضت پذیرفته می‌شدند. برای این کار اصلیت تركمنی الزامی نبود. قزلباشهای غیر ترك نیز وجود داشته‌اند، برای مثال می‌توان از ایرانیانی چون وکیل معروف اسماعیل، موسوم به نجم ثانی یا از کردانی چون ایل چگنی نام برد. لیکن قزلباشهای غیر ترك نه فقط اندك بلکه استثناهای نادری بوده‌اند. ۲۳

III

دولت صفوی که توسط اسماعیل تأسیس شد، بیش از همه کار تركمنان بود و

Studia Iranica 9 (1980), p. 195-209.

بعلاوه در خصوص ساختار و ترکیب ایلات قزلباش، هنوز هم ارقام و داده‌هایی قطعی دارند که مینورسکی در رابطه با شرح او کنتربریگ منشی (در تذکره الملوك، ص ۱۶) ارائه می‌کند. در اثر (O. Efendiev) تحت نام

Le rôle..... In: Turcica 6 (1975), p. 24-33.

اطلاعات تکمیل کنندهٔ جالبی یافت می‌شود.

۲۱- و. هینس (W. Hinz) - تزییات دقیقی دربارهٔ اصل و نسب اسماعیل ارائه کرده است. «تبدیل ایران به يك حکومت ملی در قرن پانزدهم»، چاپ برلین و لایپزیک ۱۹۳۶. ص ۷۴

Irans Aufstieg zum Nationalstaat im 15. Jahrhundert Berlin und Leipzig 1936, p. 74 sq.

۲۲- منشأ دهقانی اسماعیل، بارها عنوان شده است. معمولاً با تکیه بر صفوة الصفا نوشتهٔ ابن بزاز

B. M. Mazzaovi

مثلاً ب. م. مزاولی:

The Origins of the Safavids. Wiesbaden 1972.

(Freiburger Islamstudien. 3.) p. 51 sq.

یا ژان اوبن (Jean Aubin)

La propriété foncière en Azerbaïdjan sous les Mongols. In: le Monde Iranien et l'Islam 4 (1976/7), p. 123 sq.

23- O. Efendiev: Le rôle des tribus de langue turque...

In: Turcica 6 (1975), p. 24-33.

و همچنین

H. R. Roemer:

Hist. rische Grundlagen p. 316.

(ر. ک. به زیر نویس ۴ همین مقاله.)

حتی نظر به خوبشاوندی بنیانگذار آن با اوزون حسن* می‌توان آنرا دنباله مستقیم پادشاهی آق‌قویونلو دانست که بنویه خود سی و پنج سال پیش از آن جایگزین سلسله ترکمن دیگری بنام قراقویونلو شده بود. این دو حکومت ترکمن ۲۴ با بسیاری از حکومت‌های ترکی که پس از حمله مغول در آناتولی تأسیس شد و همچنین با حکومت تیموریان، در سرزمین ایران ۲۵، دارای وجه تشابهی است. این شباهت بی‌ثباتی مشهود و ساختار شکننده و مترزلشان است. امری که کوتاهی عمر این حکومتها را موجب می‌شد. اما حکومت صفوی با آنان کاملاً تفاوت داشت: این حکومت متجاوز از دو بیست سال برقرار بود و تازه بعد از آن نیز موجودیتی به‌شیوه دیگری در حکومت‌هایی که بعدها روی کار آمدند و بسیاری از خصوصیات آن را اخذ کردند و به آن تداوم بخشیدند، تا دوران‌های اخیر ادامه یافت. چرا حکومت صفوی بسان سایر حکومت‌هایی که توسط ترکان تأسیس گردید، بی‌ثبات نبود؟

طبیعتاً می‌توان فروپاشی کم و بیش سریع حکومت‌های ترک را با «بیماری تاریخی» آن ادوار، یعنی نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از حمله مغولان و شیوه حکومت‌های مغول و یورشهای تیمور مرتبط دانست. لیکن حکومت صفوی نیز با این مشکلات دست به‌گریبان بود. همچنین خصالت کوچ نشینی عناصر نگهدارنده حکومت، یعنی ایلات ترکمن نیز نمی‌تواند به‌تنهایی توجیه‌کننده این مسأله باشد. هرچند در این مورد تفاوت‌هایی بچشم می‌خورد و آن تمایل اکثر ایلات در زمان اسماعیل به‌شیوه زندگی نیمه کوچ نشینی است.

بی‌شک علل و عوامل مهم دیگری نیز وجود داشته‌است: نخست استفاده از بخش ایرانی جامعه، یعنی از عناصر یکجا نشین با طرز فکر و بینشی پایدار است که با موقعیت غالب در تشکیلات اداری و حتی در مواردی در سلسله مراتب نظامی به کار گماشته شوند. امری که در ایجاد روابط نزدیک بین صفویان و ایرانیان تأثیر زیادی داشته است. ۲۷. عامل دوم

* شاه اسماعیل نوه دختری اوزون حسن بود. م.

۲۴- تفصیلاً توسط ه. ر. رویمر مورد تحقیق قرار گرفته است: میان پرده ترکمنی (م. ک.

به‌زیرنویس ۴ همین مقاله) Das turkmenische Intermezzo

25- Hans. R. Roemer:

Die Nachfolger Timurs - Abriss der Geschichte Zentral. und Vorderasiens im 15. lahrbundert. In: Islamkundische Abhandlungen Fritz Meier zum sechaigsten Geburtstag, ed. Richard Gramlich. Wiesbaden 1974, p. 226-62.

(Hans R. Roemer) هانس ر. رویمر

جان‌نشینان تیمور - خلاصه تاریخ آسیای مرکزی و آسیای نزدیک در قرن پانزدهم. در مقالات اسلام‌شناسی به‌مناسبت شصتمین سال تولد فریتس مایر (Fritz Meier) به‌اهتمام ریشارد گراملیخ.

وایسبادن ۱۹۷۴. ص ۲۲۶-۶۲

26- So M. H. Yinanç: Akkoynlular. In. IA 1 (1941), p. 226

۲۷- اتحاد ایرانیان و ترکمنان به‌مثابه پایه‌های تژادی نگهدارنده حکومتی واحد، یکی از کارهای صفویان است که به‌سهولت نمی‌توان به‌اهمیت آن پی‌برد. ارزش این کار فوق‌العاده زیاد بود. بخصوص وقتی در نظر می‌گیریم که ایرانیان و ترکان، همچون «آب و آتش» عناصر متضادی بشمار می‌رفتند. ر. ک. به تذکرة الملوك، به‌اهتمام مینورسکی، ص ۱۸.

برقراری و تحکیم مذهبی ملی است. مذهب تشیع ۲۸ که تا آن تاریخ بصورت پراکنده در ایران به حیات خود ادامه می‌داد، در اثر پیروزیهای سیاسی و نظامی طریقت صفوی جاذبه خیره کننده‌ای یافت و دست کم برای مدتی توان يك ایدئولوژی قدرتمند را کسب کرد.

عامل سوم برقراری نظام جانشینی جدیدی است که نظریه قدیمی ترکها را منسوخ کرد. نظریه‌ای که می‌گفت قدرت حکومت نیز همچون سایر اموال خانواده است و پس از مرگ حکمران همچون سایر ماترك وی قابل تقسیم است، تصویری که به کسرات موجبات بروز کشمکش‌ها و نزاعهایی را فراهم کرده بود.

IV

آیا صرفاً قدرت رزمندگی جنگجویان ایلات ترکمن، ایجاد تعادل بین نژادهای ناهمگون جامعه و برقراری نظام جانشینی معقول‌تر برای توجیه موفقیت‌های خارق‌العاده قرلباش کفایت می‌کند؟ بیشک خیر. بدین‌ها، دو عامل تعیین کننده دیگر افزوده می‌گردد که یکی وجود رهبری پر جاذبه و دیگری يك محرك فکری است. این دو عامل با شخصیت اسماعیل جوان سخت پیوند خورده بود.

با بررسی ایدئولوژی حکومت، به مذهب تشیع برمی‌خوریم که اسماعیل در تابستان سال ۱۵۵۱ م. بلافاصله پس از ورود به تبریز، شهر بزرگی که اکثریت ساکنانش را سنی‌ها تشکیل می‌دادند، آنرا بعنوان آیین رسمی کشور اعلام نمود. هر چند تشیع او با اصول عقایدی که علمای دینی این مذهب طی قرون پدید آورده بودند، تباین چندانی نداشت. تشیع او همان عقاید بدعت‌گرایانه و مخصوصی است که در دیوان اشعارش ۲۹ نیز بچشم می‌خورد. او علاوه بر اعتقاد به [حضرت] علی و یازده امام جانشینش، به حلول خداوند در جسم انسان (تجلی) * و به انتقال ارواح (تناسخ) * نیز باور داشت و از این رو

۲۸- در ایران قبل از صفوی، شیعه شامل مکان‌های محدودی می‌شد که شهرهای قم و کاشان و ساوه و ری از آن جمله بودند. ر. ک. بطروشفسکی.

Islam v Irane v 7-15 Vekach. Leningrad 1966, p. 351

(نقل از حمدالله مستوفی قزوینی: تزهت القلوب)

۲۹- م. ک. یادداشت ۱۲.

با وجودی که هنوز تقاضای ژان اوبن (Jean Aubin)، مجله JESHO 2 [1959] ص ۵۵، مبنی بر این که نخست باید مفهوم «شیعه» در قرن پانزدهم، مشخص گردد، بر آورده نشده است، مع‌هذا تصورات اسماعیل از شیعه، با يك تعریف خیلی گسترده هم ناسازگار است - وضعیت عمومی مذهب در ایران، پس از جلوس اسماعیل، توسط اریکا گلاسن (Erika Glassen) به نحو بسیار خوبی در مقاله «شاه اسماعیل و علمای مذهبی هم‌عصرش». مشخص گردیده است. مجله (Der Islam) جلد ۴۸ (سال ۱۹۷۲) ص ۲۴۵-۶۸.

* در متن اصلی به همین صورت ضبط گردیده است. م.

** در متن اصلی به همین صورت ضبط گردیده است. م.

خود را تجسم [حضرت] علی (ع) که روح خداوند در او متجلی شده است، می دانست.^{۳۰} حال نگاهی به اعتقادات مذهبی ترکمنان بیفکنیم. اسلاف آنان، اوغوزها حتی قبل از آنکه مهاجرتشان را در قرن دهم میلادی از آسیای میانه بسوی غرب، آغاز کنند، اسلام را پذیرفته بودند، ولی ظاهراً اعتقادشان به دین جدید چندان عمیق نبوده است. بسیاری از آنان هنوز از مذهب شمنی پدرانشان دست نکشیده بودند و آنها با پوشش نازکی از اسلام مستور می کردند. این امر حتی در نسلهای بعدی نیز تقریباً به همان صورت باقی مانده بود.

شاید به همین علت بود که اسماعیل دستور داد از کاسه سر یکی از دشمنان مغلوبش جامی بسازند و همچنین قزلباشها گوشت دشمن کشته شده خود را کباب کرده و می خوردند به تصور این که بدینوسیله شجاعت او به آنها منتقل می شود.^{۳۱}

ژان اوبن (Jean Aubin) با بررسی موضع گیری مذهبی آق قویونلو و همچنین قراقویونلو به فرصت طلبی زیاد آنان پی برده است که این دو حکومت را قادر می ساخت میان تسنن و تشیع نوسان کنند.^{۳۲} ایرن ملیکوف (Irène Melikoff) تصور می کند از طریق بررسی و نتیجه گیری از آداب و سنن و باورهای کنونی فرقه های متعدد اسلامی ساکن شرق آناتولی و شمال غربی ایران، می توان این ظن را ثابت کرد که در عصر نخستین فرمانروایان صفوی، ترد محافل ترکمن اصول عقاید غیر اسلامی خاص ترکمنان،^{۳۳} از آنجمله انسان شدن خدا (تجلی) و انتقال ارواح (تناسخ) رواج داشته است. به عقیده وی، تبلیغات صفوی این باورهای مذهبی ویژه ترکمنان را بصورت «تصوف» و «تشیع» در آورده است. اگر بانو ملیکوف حق داشته باشد، پس باید بپذیریم که هنگام اعلام تشیع، در زمان اسماعیل، دست اندر کاران این امر از عدم انطباق مذهب جدید با آئینی که از قبل وجود داشته است، بخوبی اطلاع داشته اند. با وجودی که این موضوع نامحتمل نیست، اما

۳۰- اخیراً ایرن ملیکوف (Irène Melikoff) در مقاله ای *Le problème qizilbas* [مسأله قزلباش] که در مجله (Turcica)، جلد ۶، (۱۹۷۵)، ص ۴۹-۶۷، منتشر شده است، مقوله (تجلی) انسان شدن خدا و (تناسخ) انتقال روح را، که در دیوان اشعار اسماعیل بچشم می خورد، در رابطه با عقاید بدعت گرایانه ای که امروزه هم در شرق آناتولی و شمال غربی ایران رواج دارد، مورد بررسی قرار داده است.

31- Jean Aubin: La politiques religieuse des Safavides

In: Le Shi'isme imâmite. Paris 1970.

(Travaux du Centre d'Études Supérieures spécialisé d'Histoire des Religions de Strasbourg.) p. 235-44.

در این خصوص روهربورن (Röhrborn) حتی مدرکی ارائه می کند که افراد اسماعیل بدستور او، گوشت خیانتکاران را زنده زنده می خوردند. (ص ۳۸. اثری که در زیرنویس شماره ۴۷ همین مقاله ذکر گردیده است).

۳۲- ژان اوبن بارها به این موضوع اشاره کرده است، مثلاً در

Notes sur quelques documents Aq Qeyunlu.

In: Mélanges Masignon. 1. Damas 1956, p. 132.

۳۳- همان ماخذ پیشین. ص ۶۵.

نظر به اوضاع و احوال و شرایط مذهبی آن عصر باید گفت که احتمالش بسیار کم است. از این نامحتمل‌تر این تصور است که اسماعیل با آگاهی کامل از ماهیت کفرآمیز اعتقاداتش عمل می‌کرده است.

V

تمام این‌ها تصویری از رواج اعتقادات بحث‌انگیز، در قرن پانزدهم میلادی، بین اهالی تسنن و تشیع ارائه می‌دهد. بدیهی است که انحرافات مذکور به موقعیت ضعیف علمای دینی اسلام بستگی داشت، که در اثر حمله مغول قدرت خود را از دست داده و هنوز موفق به احیاء آن نشده بودند. بدون شك آنان با نارضایتی کامل، شاهد شکل‌گیری يك ایمان مردمی و از نظر آنان ناهنجار بودند که رفته رفته به يك اسلام کاملاً مردمی* تبدیل شد^{۳۴} و در آن تمام آن چیزهایی یافت می‌شد که همواره چون خاری در چشم علمای سنت‌گرا بود از قبیل اعتقاد به وقوع معجزه، غیب‌گوئی، تعبیر خواب، آئین تقدس، زیارتگاههای مذهبی و طریقت‌های متنفذ با آداب و رسوم مذهبی خاص خود^{۳۵}. اصولاً در دنیای اسلام هر کجا طریقت‌های صوفیانه پدید می‌آید، حتماً در آنجا شك و تردید نسبت به اعتقادات تعصب‌آمیز اهل تسنن وجود دارد. طبیعتاً این امر در مورد محل‌نشو و نمای صفویه در نیمه دوم قرن پانزدهم صدق می‌کند که رؤسای طریقت بیش از پیش با گرویدن مریدان ترکمن روبرو بودند. خاصه در زمان شیخ جنید و پسرش

* این اصطلاح را در مقابل "Volksislam" برگزیده‌ام. م.

۳۴- فرانسس بابینگر (Franz Babinger): اسلام در آسیای صغیر، طرق جدید اسلام شناسی، در مجله (ZDMG) جلد ۷۶، ص ۱۲۶-۵۲ (= مقالات و رسالات. [مونیخ ۱۹۶۲]، ص ۷۵-۵۲) و ا. گورد لوسکی (V.A. Gordlevskij) و تئودور منز (Theodor Menzel): تحقیقات روسی (Rossz) درباره ادبیات و فرهنگ عامیانه ترک (Gordlewski, Zavarin, Olesnjicki) در (Der Islam) جلد ۴ (۱۹۱۳)، ص ۱۲۳. - احمد رفیق (Ahmad Refik): On altinci altinci asirida Rafzilik ve Bektasilik. Istanbul 1932, Pasim کلاوس ا. مولر (Klaus E. Müller): مطالعات تاریخ فرهنگی در خصوص پیدایش فرقه‌های شبه اسلامی در آسیای نزدیک. ویسبادن ۱۹۶۷ و میشل م. مزاول

The origins of Safavids: (Michel M. Massaoul)

ویسبادن ۱۹۷۲ (Freiburger Islam studien 3.) ص ۶۳-۵۸.

۳۵- ژان ریپکا (Jan Rypka): تاریخ ادبیات ایران. چاپ لایپزیک ۱۹۵۹ ص. ۲۱۵. ن. د. میکلوخو - ماکلای (N.D. Miklucho Maklaj):

Siizm i ego social' noe lice v Irane na rubeze. XV - XVI uv. in:

Pamjati... Krackovskogo. Leningrad 1958, p. 221-34.

حسین نصر: مذهب در ایران عصر صفوی (Religion in Safavid Persia) در مجله (Iranian Studies) جلد ۷ (۱۹۷۴)، ص ۲۷۱-۸۶.

L'Islam hétérodoxe en Anatolie: (Irène Melikoff) ایرن ملیکوف

در مجله (Turcica) جلد ۱۴، (۱۹۸۲) ص ۱۴۲-۵۴.

شیخ حیدر که به طریقت شکل تبلیغی و حتی تشکیلاتی دادند^{۳۶}. نظر به سادگی جنگجویان ایلات ترکمن که از طرفی ارتباطشان با اسلام سطحی بود و از طرف دیگر هنوز از معتقدات شمنی‌شان دست نکشیده بودند، بدون شك عناصر مطلوب و مادهٔ خام مناسبی برای پذیرش ایمان مردمی و باورهای اسلام مردمی و عقاید کفرآمیز غساله شیعه بشمار می‌رفتند. علاقه به ماجراجوئی و چپاولگری و همچنین قدرت جاذبهٔ رئیس جوان طریقت، تحرك و جسارت فطری و تهور نظامی به این‌ها افزوده گردید. ناکامی سه تن از رؤسای طریقت - شیخ جنید، شیخ حیدر و سلطان علی - که در میدان جنگ کشته شدند هیچ تغییری در این جریان پدید نیاورد. بلکه بمکس آنان شهیدان آرمان صفوی محسوب شدند.

VI

در هر صورت وقتی اسماعیل جوان، در اواخر قرن پانزدهم، بپا خاست تا قدرت سیاسی را بدست آورد، اوضاع و احوال بدین منوال بود. با وجودی که قراین و شواهد بسیاری دال بر این است که این رهبر سیزده ساله توسط امرای ترکمنی^{۳۷} که پیرامونش

۳۶- هانا زوهر وایده (Hanna Sohrweide): پیروزی صفویان در ایران و تأثیر آن بر شیعه‌های آناطولی در قرن شانزدهم. در مجلهٔ (Der Islam) ۴۱ (۱۹۶۵)، ص ۲۲۹-۵. راجز م. ساوری

The Office of Khalifat al-Khulafà under the Safawids: (Roger M. Savory)
در مجلهٔ (JAOS)، ۸۵، (۱۹۶۵)، ص ۴۹۷
هانا زوهر وایده (Hanna Sohrweide) در این خصوص به نوشتهٔ جالب یک شیخ خلوتیه بنام سید ابراهیم ابن شیخ علی تحت عنوان کتاب التبین فی بیان ملت شاه عباس اللعین، نوشته شده بین سالهای ۱۶۲۶ و ۱۶۲۹، اشاره کرده است: ر. ک. به
"Gelehrte Scheiche und sufishe Ulama" «شیخ‌های حکیم و علمای صوفی» در مجله
"Studien zur Geschichte und Kultur des Vorderen Orients"
(یادنامهٔ (Spuler) چاپ لیون ۱۹۸۱، ص. ۳۷۶. اثر ژان لویی باکه - گرامون (Jean Louis Baqué-Gramond) در دسترس نبود:

Ottomans et Safavides au temps des Sah Ismà'il et Tahmàsp.
Thèse de doctorat ès-lettres en Sorbonne (11. Juni 1980).

۳۷- اشارات و حدیثاتی از این دست، هم از سوی شورویها و هم از طرف آنگلو ساکسون‌ها بیان گردیده است.
I. A. Gusejnov et al. (edd.):

Istorija Azerbajdzana. 1. Baku 1958, p. 224 sqq.,

Petrusevskij:

و همچنین پطروشفسکی

Islam v Irane. Leningrad 1966, p. 370,

R. M. Savory:

Some Reflections on Totalitarian Tendencies in Safavid State

In: Der Islam 53 (1976), p. 61-9.

را گرفته بودند، در خفا راهنمایی می‌شده است و حداقل کسانی بوده‌اند که تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای اجرائی را انجام می‌داده‌اند، مع‌هذا باید پیروزیها و موفقیت‌های بدست آمده را بیش از همه به حساب شخصیت بارز خودش گذاشت. این او بود که می‌دانست چگونه باید میدان جنگجوی ترکمن را برای هدف خود تشجیع کند و حس غیرت و حمیت و وفاداری بدون قید و شرط را در آنان برانگیزد و همچنان حفظ کند. نیروی جان‌به‌ای که موجب شد میدان جدید دسته دسته به‌نهضت بپیوندند، شخصیت شاه - خدای جوان، اسماعیل، بود. جنگجویان ایلات ترکمن با رقص و پایکوبی به‌او ملحق می‌شدند^{۳۸} و او آنان را در پیروزیهای پی‌درپی رهبری می‌کرد، تا این که پس از ده سال جنگ و ستیز سراسر فلات ایران را تسخیر کرد. جهت توضیح این موفقیت‌های خارق‌العاده، برای اسماعیل صفات فوق بشری قائل گردیدند که نظر به رواج عقیده به‌ظهور نوعی مسیح بین ترکمنان، حتماً بسیار مؤثر بوده است.

همزمان با تسخیر ایران حکومتی مذهبی^{۳۹}، الهی، بنا گردید که البته با حکومت [حضرت] محمد (ص) در مدینه تفاوت داشت. اسماعیل از عنوان پادشاهی نیز که از پدر بزرگش اوزون حسن به میراث برده بود، صرف‌نظر نکرد. با وجودی که شاه بود همچنان رئیس طریقت صفوی که پدید آورنده اشرافیت قزلباش بود، باقی ماند. حال از چهره دو گانه صفویان که از نیمه قرن پانزدهم شکل گرفته بود، چهره نظامی‌شان بیش از پیش خودنمایی می‌کرد. این دوگانگی نزد جانشینان باافصل اسماعیل نیز بچشم می‌خورد. اسماعیل که بعنوان تجسم علی و تجلی الله، از موقعیت مستحکمی برخوردار بود معلوم نیست از چه رو ضروری دانست مدعی گردد که اصل و نسبش نیز به [حضرت] علی (ع) می‌رسد^{۴۰}.

ایرانیان نیز در اداره حکومت مذهبی جدید، سهمی اساسی یافتند و با تصاحب بیشترین و مهمترین مشاغل غیر نظامی در دربار و دولت، سومین رکن نگهدارنده حکومت، یعنی دیوان سالاری را پدید آوردند. امرای قزلباش مهمترین مشاغل نظامی در پایتخت و ایالات را بدست آوردند و به

۳۸- اریکا گلاسن (Erika Glasse) : «صفویان نخستین» براساس نوشته قاضی احمد قمی، چاپ فرایبورگ، ۱۹۷۵ در مجله (مطالعات اسلامشناسی ۸۵) ص ۹۳۵

Die Frühen Safawiden nach Qazi Ahmad Qumi. Freiburg 1970.
(Islamkundliche Untersuchungen. 8.), p. 93.

۳۹- کلاوس روه‌ر بورن (Klaus Röhrborn) : تشکیلات اداری و استبداد در ایران عصر صفوی، در مجله (ZDMG) جلد ۱۲۷ (۱۹۷۷)، ص ۴۳-۳۱۳

Staatskanzlei und Absolutismus im safawidischen Persien.
In: ZDMG 127 (1777), p. 313 - 43.

۴۰- احمد ز. و. توغان (Ahmed Z. V. Togan) در مقاله‌اش تحت نام «منشأ صفویان» (Mélanges Massignon. 3.) منتشر شده در

دمشق ۱۹۵۷، ص ۵۷-۳۴۵. به این مسأله نپرداخته است.

حکمرانی ایالات منصوب شدند و در رأس ایل و تبار خود به مناطق تحت اختیارشان روانه گردیدند^{۴۱}. رژیم فتودالی ویژه صفوی آغاز گردید. با کسب نفوذ اقتصادی و سیاسی نخستین گام در راه ایجاد قشری ممتاز که بیش از همه به تثبیت و تحکیم پایه‌های قدرتش علاقه‌مند بود، برداشته شد.

اسماعیل پس از شکست از عثمانیان (چالدران ۱۵۱۴ م.) افسانه شکست ناپذیری و احیائاً صفات فوق بشری‌اش را از دست داد^{۴۲}.

تلاش برای تجدید قدرت زیاد قزلباش یا برقراری توازن بین آنان و ایرانیان، از طریق تقویت عناصر ایرانی که نخست یکبار اسماعیل بدان دست زد و سپس چندبار توسط طهماسب اول تکرار شد، محکوم به شکست بود. از پنج ایرانی که نامزد مقام

۴۱- اصولاً وقتی حکومت ایالتی، به رئیس یکی از ایلات قزلباش واگذار می‌شد، بعدها نیز در دست همان ایل باقی می‌ماند. تغییرات فقط به‌علل بسیار مهم صورت می‌گرفت. وضعیت ایران قبل از به‌تخت نشستن شاه عباس اول، در نقشه‌ای که توسط رویبر (Roemer) تهیه شده، کاملاً منعکس گردیده است: سقوط ایران پس از مرگ اسماعیل بی‌رحم ۱۵۸۱-۱۵۷۷. وورتسبورگ ۱۹۳۹، ص ۲۲.

Der Niedergang Irans nach dem Tode Ismà'îls des Grausamen 1577-1581. Würzburg 1939 p. 22.

هنوز باید تحقیقاتی بطور مجزا درباره شکل‌گیری گروه‌های ایلی، در درون طریقت صفوی، که حتماً قبل از بقدرت رسیدن اسماعیل صورت پذیرفته است، انجام گیرد. مراجعه کنید به:

Paul Wittek:

Le rôle des tribus turques dans l'empire Ottoman.

In: Melanges Georges Smets. Bruxelles 1952;

Abdülbâki Gölpınarlı:

Kizilbas. In: IA 6 (1955, p. 779-95;

Michel M. Mazzovi:

The Gâzi background of the Safavid State.

In: Iqbal Review 12/III (1971). p. 79-90.

همچنین به کلاوس روهربورن (Klaus Röhrborn):

Provinzen und Zentvalgewalt Persiens im 16. und 17. Jahrhundert.

Berlin 1966.

ایالات و قدرت مرکزی ایران در قرن شانزدهم و هفدهم. برلین ۱۹۶۶ در مجله

Studien zur Sprache, Geschichte und Kultur des islamischen
Oriens NF2)

۴۲- سیاحان خارجی درباره احترامی که در خور خدایان بود و بعد از اسماعیل هم نسبت به سایر

پادشاهان صفوی اعمال می‌شد، گزارش داده‌اند. م. ک. به

Aubin: Politique religieuse, p. 237.

از این واقعیت، که اسماعیل در ده سال آخر عمرش، در هیچ‌یک از عملیات نظامی شخصاً شرکت نکرد، می‌توان به‌بهران شخصیتی که او دچار آن شده بود و ناشی از شکست در جنگ چالدران بود،

پی برد.

بسیار مهم نیابت شاه (وکیل) * شدند، سه تن جانشان را به سر این جاه طلبی گذاشتند. ۲۲ با تضعیف قدرت شاه و افول اهمیت ریاست طریقت، قزلباشها دوباره توجه خود را به علائق عشیره‌ای معطوف داشتند و پس از مرگ اسماعیل در سال ۱۵۲۴ م.، هنگامی که حکومت اسماً به شاهزاده‌ای ده‌ساله ولی رسماً به امرای قزلباش رسید، نافرمانی و سرکشی ایلات دوباره رونق گرفت. خصومتها و اتحادها به جنگ خانگی منجر شد که شاه طهماسب تازه در دهمین سال سلطنتش موفق به فرونشاندن آن گردید.

این که قدرت حکومت تا چه اندازه به شخص او بستگی داشت، وقتی آشکار می‌شود که می‌بینیم چهل سال بعد، یعنی در پایان حکومتش، نزاع و کشمکش بین ایلات دوباره با شدت بیشتری آغاز می‌گردد.

چندین سال جنگ و ستیز بین ایلات مختلف، امپراتوری صفوی را تا لبه پرتگاه انهدام سوق داد. دو تن از پادشاهان صفوی که پس از طهماسب به سلطنت رسیدند، توان فرو نشاندن کشمکش بین قزلباش را نداشتند. حتی ایجاد تشکیلات شاهسون ۲۲ موفقیت

* در اصل به همین صورت نوشته شده است. م.

43- R.M. Savoy: The Significance of the political murder of Mirzá Salman.

In: Islamic Studies, III/2 (Karachi 1964) p. 181-91.

Jean Aubin:

Etudes Safavides I. In: JESHO 2 (1959), p. 77.

۴۴- شاهسون به معنی اعلامی است برای اداء دین و فاداری نسبت به مرشد طریقت (صوفیگری) که دربارش جای دیگر به تفصیل سخن خواهیم گفت. ضمناً این کلمه نام یکی از ایلاتی است که هنوز هم در ایران وجود دارد:

Richard Tapper

Black Sheep, White Sheep, and Red Heads, a historical sketch of the Sháhsavan of Azarbáijan.

In: Iran, 4 (1966), p. 61-84.

بعلاوه، همین نویسنده، مقاله دیگری دارد بنام:

Sháhsevan in Safavid Persia.

In: BSOAS, 37 (1974), p. 321-54.

همچنین گوتتر شوابتر (Günther Schweizer):

Nordwest - Azerbaidshan und Shah-Sevan Nomaden.

Strukturwandel einer nordwestiranischen Landschaft und ihre Bevölkerung. Wiesbaden 1970.

شمال غربی آذربایجان و ایلات کوچ‌نشین شاهسون دگرگونی ساختار یکی از مناطق شمال غربی ایران و ساکنانش. ویسبادن ۱۹۷۰. در

ص ۸۱-۱۴۸. (Erdkundliches Wissen. Ed. E. Meynen und E. Plewe. 26)

محدودی داشت. این شاه عباس بود که در این کار موفق شد و در سال ۱۵۸۷ شورش را که هنگام به تخت نشستن به وقوع پیوسته بود دست‌آویز قرارداد و قدرت قزلباش را محدود ساخت. این کار با مقابل هم قراردادن ایلات مختلف و همزمان با قلع‌و‌قمع بی رحمانه خطرناکترین مخالفاش صورت گرفت. ۲۵ لیکن موفقیت درازمدت با اصلاحات وسیعی که او در تشکیلات نظامی کشور انجام داد، حاصل گردید. ۲۶ این اصلاحات شامل تهیه انواع سلاح‌های جدید و برپائی افواج نوینی بود که برخلاف سنت رایج از تژادهای غیرترکمن تشکیل می‌شدند و همچنین کنار نهادن اصل ریاست انحصاری که تا آن تاریخ رواج داشت و مبنی بر این بود که رئیس هر یک از افواج ایلی باید از افراد همان ایل باشد منسوخ شد. با وجودی که هنوز هم امرای وفادار می‌توانستند مقام خود را حفظ کنند، اما از آن پس به امتیاز ویژه ترکمنان که تا آن زمان برقرار بود، برای همیشه پایان داده شد. نه فقط نظامیان گرجی، چرکس و ارمنی ترقی کردند بلکه افواجی نیز از این تژادها، اکثر از اسیران سابقی که اسلام را پذیرفته بودند، یا از پسرانشان که در ایران بزرگ شده بودند، تشکیل گردید.

اگر در زمان اسماعیل کلیه هواندارانش مریدان طریقت بودند، در زمان جانشینانش

۲۵- هانس مولر (Hans Müller): خلاصه‌التواریخ قاضی احمد قمی. ویسایدن ۱۹۶۴.

متن ص ۱۴، ترجمه ص ۳۴.

(Veröffentlichungen der Orientalischen Kommission)

46- Laurence Lockhart:

The Persian Army in the Safavi Period.

In: Der Islam 34 (1959), p. 89-98.

R. M. Savory:

The Sherley Mythe.

In: Iran 5 (1967) p. 73-81.

ضمیمه برای تصحیح:

پس از پایان مقاله حاضر، مجله آینده ۹/۳-۲ (۱۳۶۲) را دریافت کردم و در آن خبر انتشار کتاب «تاریخ قزلباشان»، به اهتمام میرهاشم محدث، از روی نسخه منحصر بفرد کتابخانه ملک، تألیف بین سالهای ۱۰۰۷ و ۱۰۱۳ قمری، تهران ۱۳۶۱، ۶۸ صفحه، درج گردیده است. بعلاوه در توکیو با آقای ماساشی هاندا (Masashi Haneda) آشنا شدم که رساله دکترایشان را بنام: سیستم نظامی صفویان - شاه و قزلباشها، بمن نشان دادند.

Le système militaire safavide - le Chah et les Qizilbash:

Thèse d'études Iranienne (3 me cycle), Paris III 1983.

(هنوز منتشر نشده است).

این قاعده دیگر مرسوم نبود. ۴۷ اکنون تعداد قزلباشانی که مریدان طریقت نبودند و همچنین مریدان طریقتی که قزلباش بشمار نمی‌رفتند، پیوسته افزایش می‌یافت. با وجودی که شاه‌عباس برای نقش خود بعنوان مرشد طریقت اهمیت زیادی قائل می‌شد، معذک ظاهر آ در اثر افزایش نفوذ علمای شیعه^{۴۸} که با عقاید افراطی این طریقت شدیداً مخالف بودند، سرعت از اهمیت صوفیان کاسته شد. سرانجام آنان را فقط در مشاغل پست به‌کار می‌گماشتند و بعدها حتی به بیرون از پایتخت تبعیدشان کردند.^{۴۹}

با تحکیم امپراتوری صفوی توسط شاه‌عباس، نقش قزلباش بعنوان عناصر نگهدارنده حکومت بی‌پایان رسید. ۵۰ آنان بعزت و وابستگی‌شان به علائق ایلی، که به‌رحال از اتحاد و همبستگی اولیه‌شان با طریقت و دولت صفوی، محکم‌تر بود، قربانی تغییر مشی حکومت شدند.

۴۷- کلاوس روهربورن (Klaus Röhrborn): حکومت و تشکیلات اداری ایران در عصر صفوی. لیدن ۱۹۷۹ (Handbuch der Orientalistik, Ab. I) جلد ۶، قسمت ۱، ۵، T. 1. ص ۳۸. در آنجا (نقل از تکملة‌الاخبار) عنوان صوفیان قدیم گیلانی ثبت شده است.

۴۸- ادوارد براون در تاریخ ادبیات ایران. ۴. چاپ کمبریج ۱۹۲۴، ص ۱۲۵ خاطر نشان می‌سازد که ملا محمد باقر مجلسی عالم مشهور شیعه به "Prosecutor of sufis and heretics" شهرت داشته است.

۴۹- مینورسکی: تذکرة الملوك، ص ۱۳ و ۱۲۶ و همچنین روهربورن Röhrborn ایلات و قدرت مرکزی ایران، ص ۳۷۵ (نقل از «تاریخ طهماسبی»).

۵۰- این بدان معنی نیست که آنها در سیر تاریخ بعدی ایران مؤثر نبوده‌اند، در دوران پس از صفوی سلسله‌هائی روی کار آمدند (برای مثال افشار و قاجار) که از ایلات قزلباش برخاسته بودند.

توضیح برای رفع نادرستی

خواهشمند است موارد زیر را در مقاله تقلید و انتحال در کتب بلاغی نوشته دکتر محمد فشارکی که در شماره ۱۵۰۹ سال ۱۳۴۵ چاپ شده است اصلاح فرمائید.

ص ۵۷۱ - سطر دوم «نود باب» صحیح است

ص ۵۷۱ - سطر نوزدهم بجای جواب «جواب» درست است.

ص ۵۷۲ - سطر بیست و سوم پایان جمله به‌صورت «مطلب تازه بسیار کم آورد» صحیح خواهد بود.

ص ۵۷۳ - سطر دوم کلمه «صورت» در جمله زاید است.

در صفحه ۸۳۹ سال پیش به‌سهوالقلم نوشته شد که خط شوریده چاپ می‌شود و مراد از خط «نامه» بود ورنه می‌دانیم که شوریده نایبنا بود. چند نفر این تذکر را داده‌اند و از جمله فرزند آن مرحوم آقای حسن فصیحی شرحی دلپذیر و تاریخی نوشته‌اند که در شماره‌های آینده چاپ خواهد شد.